سند عصبی یا ما نقلی تو تا معرے طولائی نوبی سند عصبی باز سنی محصبی ۱۹۸۱ شانسون می سنود.

سند عصبی یا ما نقلی تو تا معرے طولائی نوبی سند عصبی ۱۹۱۱ شانسون می سنود.

سندی سرای ایف بیروانیم نحوی کار شبر ۱۶۲ رادر این سے کا جریاں اطلاعا سے را شرق کی تنز میں کا جریاں اطلاعا سے را شرق کی تنز و دادہ کالی در توالی می مستند و با یہ جمعیاں مفظ سنونر و چر کارہ کا کی بایر و دادہ کالی سنیمی اطلاعا ہے می را در الول زفیرہ توالی عبوری د کارہ کی ما کارہ دی منظم رادانشہ بایشیمی

برید اشیاری معال آرم بوشی مجموع ای از انساد و تجهید اے در برو مسلم اتعال ایری شیک باید شیاری می تواند بر مصرف بندها ک درمات می می از اندها بری می بردی از و مسلم ما از اه درور و مسلم می تواند بری از و مسلم ما از اه درور و مسلم می تواند بری از و مسلم ما از اه درور و مسلم می تواند بری از و مسلم ما از اه درور و میره اشاره بردی از و مسلم ما از اه درور و میره اشاره برد.